

بررسی تطبیقی جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه

میشم ایمانی^۱

نغمه فرهود^{۲*}

سید یزدالله طاهری نسب^۳

چکیده

جرایم اقتصادی به خاطر تاثیر گذار بودن بر تمام سطوح جامعه، یکی از مسائل چالش برانگیز در جهان می‌باشند. که کشور ایران مستثنی نخواهد بود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام های اقتصادی مثل کشور فرانسه، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جرایم عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد. در حالی که باید تدبیر خاصی در زمینه جرایم اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. قانون جدید مجازات اسلامی برای نخستین بار به روش «تبیین حصری مصادیق» مفهومی از جرم اقتصادی ارائه کرده است. که تا حدودی می‌توان گفت مصادیقی از جرایم اقتصادی بیان شده است. اما مجازات تعیین شده برای جرایم اقتصادی جنبه پیشگیری نداشته و باید زمینه‌های ایجاد جرایم اقتصادی در جامعه از جمله: شفاف نبودن معاملات اقتصادی، نبود سایت معاملات دولتی مورد بررسی قرار گیرد. و همچنین نقش و اختیارات پلیس همانند کشور فرانسه که از اختیارات ویژه ای در برخورد با مجرم اقتصادی برخوردار است، گسترش یابد. روش گردآوری اطلاعات پژوهش اسنادی- کتابخانه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، حقوق ایران، حقوق فرانسه



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سیزدهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و نه،

تابستان ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی،

اهواز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران (نویسنده مسئول)

* farhudnaghme@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی چهل و نه، صص ۳۶۳-۳۴۷

مقدمه

جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های مهم جامعه جهانی است که قلمرو جولان آن مختص به کشور یا قاره خاصی نیست، به هم پیوستگی و ارتباط رو به گسترش جامعه جهانی، از میان رفتن مرزها، شکل‌گیری شرکت‌های چند ملیتی و حتی دست داشتن اشخاص و نهادهای بین‌المللی در ارتکاب جرایم اقتصادی آن را به یک معضل جهانی تبدیل نموده که نه تنها سلامت و حیات جامعه ملی، بلکه نظم جامعه بین‌المللی را نیز متأثر ساخته است. جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده آن را به خطر می‌اندازند. جرایم و مفاسدی چون رشوه، اختلاس، قاچاق کالا، تجارت غیر قانونی ارز، جعل اسناد و مدارک (بویژه جعل اسناد و اوراق بهادار) کلاهبرداری‌های بزرگ اقتصادی، عدم پرداخت مالیات‌های صادراتی، پول شویی و ده‌ها مفسده دیگر اقتصادی به اشکال متنوع ظهور و خودنمایی کرده و پیکره اقتصادی جوامع را فلج و رو به بحران می‌گذارد و خصیصه بارز این جرایم در نحوه سازماندهی و شکل‌گیری آنها صورت می‌گیرد. نخستین مشکل موجود، فقدان قوانین و مقررات شفاف و متناسب برای مقابله با مفاسد اقتصادی است از مسائلی که می‌تواند در پیشگیری این گونه جرائم مؤثر باشد منع زمامداران و دولتمردان و صاحب‌منصب‌های حکومتی از هر نوع تجارب و بازرگانی یا دخالت در امور تولیدی و خدماتی است، زیرا اینگونه افراد بدلیل نفوذ در جامعه جهت حفظ منافع یا تحصیل ثروت به‌طور بی‌رویه در ایجاد جرایم اقتصادی نقش بسزایی دارند. بنابراین کشورهای مختلف از جمله کشور فرانسه در مبارزه با جرایم اقتصادی، پیشگیری را به عنوان یک اصل راهبردی در اولویت سیاست جنایی خود قرار داده‌اند. پیشگیری از جرم درصدد کاهش خطرات رویدادهای بزه‌کارانه و رفتارهای مرتبط از طریق مداخله در عمل و نوع آنها است و شامل آن دسته از تدابیر سیاست جنایی است که به شکل کیفری و غیرکیفری درصدد کاهش میزان بزهکاری است که بر حسب زمان مداخله، به دو نوع کنشی و واکنشی تقسیم می‌شود. پیشگیری کنشی، به تدابیر پیشگیرانه‌ای گفته می‌شود که قبل از وقوع جرم با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم و یا کاهش ضرر و زیان ناشی از آن اتخاذ می‌شود و دو نوع است، یکی «پیشگیری

اجتماعی» از جرم به روش اصلاح جامعه و نظام اجتماعی مانند خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد و پرورش افراد در فرآیند جامعه پذیری آنها و دیگری «پیشگیری وضعی» است. که از گذر کاهش فرصت و موقعیت هایی که ارتکاب جرم را تسهیل میکند، تحقق می‌یابد. جرایم اقتصادی پدیده‌ای فراگیر هستند که جوامع بشری و نظام‌های سیاسی با آن مواجه هستند، پدیده‌ای که به طور مستقیم و غیرمستقیم جنبه‌های کیفی زندگی اقتصادی شهروندان را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. و از این منظر مقایسه جرایم اقتصادی در کشور ایران و فرانسه باعث می‌شود که بتوان از تجربه برخورد قضایی و قانونی کشورهای دیگر با جرایم اقتصادی استفاده کرد. چرا که رویارویی با این پدیده، همواره دغدغه‌ی کارگزاران و متولیان سیاست‌گذاران جنایی کشورها بوده است؛ زیرا، افزایش مظاهر بزهکاری اقتصادی امنیت نظام سیاسی و بقاء آن را نیز به مخاطره می‌اندازد. بدین‌سان، همه‌ی دولت‌ها بر آن هستند تا از گذر بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری در حوزه اقتصاد و پاسخ‌دهی سنجیده به مرتکبان جرایم اقتصادی، از تزلزل اقتدار و فروپاشی نظام سیاسی خود ممانعت به عمل آورند. از این‌رو، ضرورت بررسی رویکردهای سیاست جنایی در مورد جرایم اقتصادی که شامل ماهیت و گونه‌های مختلف بزهکاری اقتصادی از جمله مظاهر فساد اداری - مالی و اتخاذ راهبردهای سنجیده در حوزه بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری گُشی و واکنشی احساس می‌شود. امروزه اقتصاد و مؤلفه‌های مربوط به آن، عنصر ضروری برای بقاء بشریت و لازمه‌ی ادامه‌ی زیستن در هر جامعه است؛ زیرا، یکی از بنیان‌های حاکمیت را بنا می‌نهد و پایه‌های آن را قوام می‌بخشد، آثار و منافع آن را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد. در این میان، پاره‌ای اشخاص برای کسب منافع مادی از جمله کسب ثروت و قدرت اقتصادی - در معنای وسیع کلمه - نظام اقتصادی و در نهایت نظام سیاسی را با ارتکاب اعمال مجرمانه به خطر می‌اندازد.

۱. مفهوم جرایم اقتصادی

علی‌رغم فقدان تعریف دقیق و جامع از جرایم اقتصادی در حقوق موضوعه، به ناچار با مطالعه اندیشه اندیشمندان اقتصادی یک تعریف گرچه غیر جامع دست می‌یابیم تا مفهوم جرایم اقتصادی و جرایم مالی از همدیگر تمایز گردند. باید توجه داشت که

سیاست جنایی با تبعیت از اصل « قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها خود را ملزم به رعایت این اصل نموده است، بنابراین برای تعیین چارچوب جرائم اقتصادی محدوده حرکت نمائیم، با این در حقوق ایران بایستی در این همه با مذاقه در متون جزایی عنوان مشخصی به نام جرائم اما واقعیت این است مفسد اقتصادی در جامعه امری انکار ناپذیر است. که به اقتصاد جامعه لطمه وارد می‌آورد. با مذاقه در قوانین متفرقه چه بسا بتوانیم محدود و ثغوری را تعیین و مشخص نماییم آنچه شایان ذکر است. این نکته است که نظام حقوقی ایران ملهم از حکومت اسلامی و ارزش‌های دینی می‌باشد و از این رو معیار سنجش بسیاری از انحرافات و مفسد اقتصادی تبلور و ریشه در مبانی فقهی و شرعی دارد. ربا، احتکار، گران فروشی، رشوه و... از جمله جرائمی است که قانونگذار با الهام از یافته‌های نظام‌های دینی خواستار مبارزه و مقابله با درآمدهای نامشروع از آن می‌باشد تا جایی که حتی بسیاری از انحرافات نمود و جلوه قانونی یافته است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۳۷).

چنانچه قانون اساسی به عنوان اصول عینیت و عملی این تفکر دینی را در اصل ۴۹ قانون اساسی (درآمدهای نامشروع) راهبردی و اعلامی ساخته است، با این حال اجرای اصل در عمل چندان کارایی و موفقیت نداشته و گویی قانونگذار در جهت حمایت از آن توفیق نیافته است بنابراین پیش از ارائه تعریف جامع از جرم اقتصادی لازم ر مفاهیم مشابه به درستی است تا مفهوم جرم اقتصادی از سایر تفکیک شده و بایستی آن را از جرائم مالی متمایز نمائیم، زیرا در جرایم اقتصادی، امنیت، اعتبار، قدرت و نفوذ نظام اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد. وجه مشترک جرائم علیه اموال و یا جرائم مالی آن است که همه آنها مشتمل بر نقض حقوق مالکانه اشخاصند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۳۸). برخی از حقوقدانان با انکار هر گونه اثر عملی بر تفکیک جرائم مالی و اقتصادی، مفهوم جرم اقتصادی را اعم از جرائم مالی دانسته و معتقدند که هر جرم مالی قطعاً یک جرم اقتصادی است ولی همه جرائم اقتصادی جرم مالی محسوب شوند بر اساس این نظر، حداکثر عملی که از تمایز این دو دسته از جرائم برشمرد، در بزه دیده این جرائم است، به گونه که در یکی فرد و دیگری جامعه و حکومت بزه دیده واقع می‌شوند.

۲. مقایسه ضابطین دادگستری ایران و فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه مامورین و افسران پلیس قضایی در مقام انجام تحقیقات مقدماتی از اجرای اوامر یا کسب تکلیف از مقامات غیرقضایی رسماً ممنوع شده اند و این امر دخالت مقامات سیاسی را در تحقیقات، به خصوص جرایم اقتصادی منع می کند. لیکن در قوانین ایران چنین منعی وجود ندارد و مقامات مافوق ضابط قوه قضاییه به خود اجازه دخالت در تحقیقات مقدماتی را می دهند. و همپنین عدم محدودیت ساختار پلیس فرانسه به تقسیمات کشوری، مامورین را کمک می کند بدون نیاز به تفویض نیابت قضایی، تحقیقات خود را با سهولت و سرعت بیشتری انجام دهند و حال آنکه صلاحیت ضابطین دادگستری در ایران محدود به حوزه قضایی بوده و در خارج از حوزه قضایی نیاز به نیابت قضایی دارند. یگان مبارزه با جرایم اقتصادی واحد توانمندی است، که در ساختار پلیس قضایی فرانسه به طور تخصصی به مبارزه با این جرایم می پردازد و از امکانات مادی و انسانی برخوردار است. اما در کشور ایران نیوری انتظامی به عنوان ضابط عام دادگستری به مبارزه با این جرایم می پردازد و نهادی تحت عنوان پلیس قضایی که مأموران و افسران آن حائز شرایط آموزشی و تخصصی مخصوص و قابلیت ها و اختیارات ویژه متناسب باشند، وجود ندارد. واحدی هم که در ادارات آگاهی تحت عنوان اداره کل مبارزه با جرایم اقتصادی وجود دارد از امکانات و تخصص های لازم برخوردار نبوده و بیشتر به مبارزه با قاچاق کالا و ارز می پردازد.

مامورین وزارت اطلاعات هم به لحاظ تعدد وظایف محوله عملاً فرصت چندانی برای مبارزه با جرایم اقتصادی نداشته و کمتر درگیر این موضوع می شوند. پیشنهاد می شود، پلیس ویژه جرایم اقتصادی با پرسنل متخصص، کارآموده و نفوذناپذیر تشکیل شود، این نیرو از امکانات مالی، اداری و آموزشی کافی برخوردار باشد تا وظایف حساس و پرهزینه را به طور شایسته انجام دهد، از استقلال کافی نسبت به مقدمات سیاسی و اجرایی برخوردار باشند. لازم به ذکر است تا زمانی که چنین نیرویی تشکیل نشده است، قوه قضایی می تواند از ظرفیت های قانونی موجود در برنامه توسعه استفاده نماید. زیرا در بند (الف) ماده (۲۱۱) قانون مذکور مقرر شده است «قوه قضاییه مکلف است نسبت به ایجاد پلیس قضایی اقدام نماید» که در صورت تشکیل این پلیس می توان واحدی از

ان به کشف و تحقیق جرایم اقتصادی اختصاص داد. مضافاً اینکه در قسمت ۲ بند (ج) ماده (۲۱۱) همان قانون یی از وظایف قوه قضاییه تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضایی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان است.

۳. نقش مراجع قضایی در مقابله با جرایم اقتصادی در ایران و فرانسه

اهمیت جرایم اقتصادی، حساسیت افکار عمومی و خسارات حاصل از این جرایم به حدی است که دولت سعی دارند نهادهای قضایی کیفی خاص و قضات آموزش دیده را برای رسیدگی به این جرایم اختصاص دهند. اشراف مرتکبان به تخلف و حرفه خود و توانایی بهره مندی از بهترین وکلا و خیره ترین مشاوران و حسابداران به حدی است که نیاز به قاضی حرفه ای وجود دارد. قاضی که به جرم قتل رسیدگی می کند نمی تواند پیچیدگی تخلفات و جرایم مرتبط با دفاتر حسابداری و مقررات مربوط به ثبت شرکت ها را درک کند. لذا در بسیاری کشورها با مراجع خاصی مواجه هستیم (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۶: ۳۵۳). از آنجا که سیستم قضایی حاکم در کشورهای فرانسه و ایران از نظام مختلط تبعید نموده و در این نظام دو مرحله ای تحقیقات مقدماتی و رسیدگی از یکدیگر جداست و مقرر حاکم بر آنها متفاوت است یعنی تعقیب متهمان و تحقیقات مقدماتی در دادسرا و رسیدگی در دادگاه انجام می شود، بر این اساس ابتدا دادسرا و سپس دادگاه انجام می شود؛ بر این اساس ابتدا نهاد دادسرا و سپس دادگاه مورد مطالعه تطبیق برقرار می گیرد.

۴. نقش دادسرا در بررسی جرایم اقتصادی در فرانسه و ایران

در فرانسه طبق قانون آیین دادرسی کیفری، دادسرا مسئول تعقیب دعوی عمومی و درخواست اجرای قانون است. ریاست دادسرا را دادستان برعهده دارد. در این کشور از نظر سلسله مراتب دو نوع دادسرا وجود دارد، یکی دادسرای استان که در معیت دادگاه های تجدیدنظر و دادگاه جنایی مستقر در حوزه دادگاه استان انجام وظیفه می کند، دوم دادسرای شهرستان که در معیت دادگاه شهرستان انجام وظیفه می کند. دادستان استان بر اجرای قوانین کیفری در حوزه دادگاه تجدید نظر استن و بر حسن اجرای عملکرد دادسرای شهرستان ها حوزه خود نظارت می کند و می تواند دستورات کتبی از دادستان شهرستان شروع به تعقیبی را بخواهد. دادستان شهرستان نیز دستور تعقیب پرونده را در

شهرستان شروع به تعقیبی را نخواهد. دادستان شهرستان شروع به تعقیبی را نخواهد. دادستان شهرستان نیز دستور تعقیب پرونده را صادر و تحت شرایطی می‌تواند دستور بایگانی کردن پرونده را صادر نماید. البته کسی که نسبت به تصمیم بایگانی کردن پرونده معترض است می‌تواند نزد دادستان اعتراض نماید (تدین، ۱۳۹۵: ۲۶۸).

در این کشور با اصلاحات متعددی که به خصوص در سال ۱۹۹۴ در قانون آیین دادرسی کیفری به عمل آمده است رویکرد نظام حقوقی آن در جرایم اقتصادی به سوی تخصصی شدن مراجع قضایی بوده است. به طوری که طبق آن قانون، مراجع ویژه‌ای برای تعقیب، تحقیق و در امور جنحه‌ای محاکمه و صدور رای تشکیل شده است. این مراجع شامل دادستان‌ها، قضات تحقیق و شعبه‌های تخصصی دادگاه جنحه و نظایر آن است که در مجمع‌های جرایم مالی و اقتصادی و دادگاه‌های فرامنطقه‌ای سازمان یافته‌اند، این مجتمع‌ها در حقیقت مرکزی برای همکاری انواع متخصصین مانند کارمندان بانک ملی فرانسه، کارکنان ادارات مالیات و گمرک از یک سو و قضات تحقیق و دادستان‌ها از سوی دیگر هستند، در واقع محیط مناسبی را برای رسیدگی دقیق به پرونده‌های مربوطه ایجاد کرده‌اند (یوسفیان، ۱۳۹۶: ۶۳).

در کشور فرانسه دادرسی از سیستم مقتضی بودن تعقیب تبعیت می‌کند، لذا قانونگذار تحت شرایطی به دادستان این اختیار را داده است که از فرآیند‌های جایگزین تعقیب کیفری استفاده کند و یا حتی به دلایل مربوط به منافع اجتماعی و پیشگیری از جرم و سایر ملاحظات سیاست جنایی، دستور بایگانی کردن پرونده را صادر نماید. در این کشور تحت فشار افکار عمومی و توصیه‌های بین‌المللی تضمین‌های قانونی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد دادستان از اختیارات خود سوءاستفاده کند از جمله‌ای تضمین‌ها عبارت‌اند از:

الف) با اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۴ در قانون آیین دادرسی کیفری به عمل آمده است، اختیارات وزیر دادگستری در ماده ۳۰ قانون مذکور به نحوی محدود شده است که این اقدام نمی‌تواند به دادستان دستور بایگانی کردن پرونده را بدهد. وظیفه وزیر دادگستری صرفاً دستور شروع به تعقیب است که آن هم بایستی کتبی بوده و در پرونده محفوظ بماند و حق دستور عدم تعقیب را ندارد. وقتی عالیترین مقام قضایی حق چنین دستوری

ندارد سایر مقامات به طریق اولی چنین حقی را ندارند. اختیارات دادستان استان نسبت به دادستان شهرستان نیز همانند وزیر دادگستری است.

ب) برای اینکه دادستان از اختیارات خود در بایگانی کردن پرونده سوءاستفاده نکند مکلف است نتیجه هر اعلام جرم و شکایتی را اعم از تصمیم به تعقیب، انصراف بدون اقدام تعقیب و یا استفاده از شیوه‌های جایگزین تعقیب را به اطلاع اعلام‌کننده جرم، شاکی و حتی هر بزه‌دیده شناخته شده‌ای، هر چند شکایت نکرده باشد برساند. مضافاً اینکه تصمیم به بایگانی کردن پرونده فقط به دلایل قضایی و یا ملاحظه مصالح کیفری امکان‌پذیر است. تصمیم به بایگانی کردن پرونده نزد دادستان استان قابل اعتراض است که چنانچه تصمیم مذکور توجیه قانونی نداشته باشد دادستان دستور تعقیب صادر خواهد کرد (تدین، ۱۳۹۵: ۳۴). تضمین دیگر این است که برای نظام قضایی فرانسه به شاکی یا زیان‌دیده اجازه داده است. تحت شرایطی خود دعوای عمومی را به جریان انداخته و مستقیماً به دادگاه صالحه رجوع کند.

ج) صدور تصمیم بایگانی کردن پرونده توسط دادستان فقط در شروع اولیه تعقیب کیفری موثر است و پس از شروع تعقیب کیفری در این زمینه اختیاری نخواهد داشت، زیرا دادستان نمی‌تواند پرونده را از قاضی تحقیق گرفته و یا تقاضای برائت یا توقف رسیدگی را صادر نماید.

د) اگر دادستان در پرونده خاصی به بعضی از اعمال مجرمانه توجه نکرده و یا در مورد دخالت افراد خاصی در ارتکاب جرم تحقیق لازم را نکرده باشد، شعبه تحقیقات پژوهش می‌تواند حتی بدون درخواست اصحاب دعوی دستور تحقیقات را صادر نماید. در کشور ایران طبق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا تحت عنوان دادسرای عمومی و انقلاب در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل شده است. ریاست دادسرا را دادستان برعهده داشته و به تعداد کافی معاون دادستان، بازپرس و دادیار دارد، این دادسرا عده دار کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیقات مقدماتی است. تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم را دادسرا برعهده داشته و این دادسرا فاقد مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی است. که زبق قانون مصوب ۱۳۹۲ در صورت لزوم شعب تخصصی تشکیل خواهد شد.

البته در برخی از دادرها به خصوص در شهرهای بزرگ جرایم اقتصادی به شعبی از دادرها که جنبه تخصصی داشته باشد ارجاع می شود. که ممکن است قاضیات این گونه پرونده ها از مشاور تخصصی بهره مند نباشند.

در مقایسه با سیستم دادرهای کشور ایران و فرانسه نکات ذیل حایز اهمیت است. اولاً) در کشور فرانسه در مجتمع های جرایم مالی و اقتصادی و حوزه دادگاه های فرامنطقه ای مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی متشکل از دادستان و قضات تحقیق وجود دارد، که این قضات آموزش های لازم را دیده اند ولی در ایران چنین مرجعی وجود ندارد.

ثانیاً) ماده ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اجازه داده است افرادی که از تخصص دانشگاهی و حداقل چهارسال سابقه حرفه ای مرتبط برخوردارند به عنوان دستیار قضات تحقیق منصوب شوند این دستیاران که تابع نظر قضات هستند کار رسیدگی به پرونده های مهم تخصصی را تسهیل می کند. حال آنکه در کشور ایران قانونگذار چنین اجازه ای را به دادرها نداده است.

ثالثاً) در فرانسه مرجع تحقیق در جرایم اقتصادی صلاحیت سرزمینی فراتر از دادگاه شهرستان دارند از این رو به جرایم اقتصادی که در چند حوزه اقتصادی شهرستان واقع شده است دچار مشکل نمی شوند ولی در ایران صلاحیت هر دادرها محدود به حوزه شهرستان بر اساس تقسیمات کشوری می باشد بنابراین چنانچه نیاز به تحقیقاتی خارج از حوزه قضایی باشد بایستی به دادرهای ذی صلاح نیابت قضایی تفویض شود و ممکن است تحقیقات مورد نظر توسط قضاتی انجام شود که در امور اقتصادی تخصص لازم نداشته و در رسیدگی به پرونده خلل ایجاد نماید. بنابراین پیشنهاد می شود قوه قضایی در اجرای بند (ب) ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد نسبت به تهیه لایحه تشکیل دادرهای جرایم اقتصادی اقدام تا با تصویب مجلس شورای اسلامی دادرهایی تخصصی تشکیل شود.

۵. نقش دادگاه در بررسی جرایم اقتصادی در فرانسه و ایران

یکی از الزامات مبارزه با جرایم اقتصادی وجود دستگا قضایی مقتدر، مستقل و متخصص است تا بتواند نقش خود را به عنوان دستگاه تضمین کننده سلامت سایر

دستگاه‌ها ایفا نمایند و تحت فشار مرتکبان جرایم اقتصادی که بخش بزرگی از آن توسط مقامات در سطوح میانی و بالایی سلسه مراتب اداری و یا توسط سیاستمداران پرنفوذ ارتکاب می‌یابد از حدود قانون تجاوز نکنند. براین اساس در کشور فرانسه از زمان تصویب قانون ششم اوت ۱۹۷۵ در حوزه قلمرو صلاحیت دادگاه تجدید نظر استان یک دادگاه شهرستان تأسیس شده است که به طور اختصاصی برای تحقیق و صدور حکم در مورد جرایم اقتصادی و مالی موضوع ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه از قبیل جرایم مالیاتی، گمرکی، شرکت‌ها صلاحیت دارد پرونده‌های ارجاعی به این دادگاه بسیار پیچیده و تخصصی بوده که برای صدور حکم به آموزش های تخصصی نیاز دارد (ابراهیمی و دوستان، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

در رسیدگی به این جرایم دادگاه‌های تخصصی صلاحیت فرا منطقه ای دارند. یعنی اگر جرم در حوزه های قضایی مختلف واقع شود و یا به علت تعداد زیاد شرکا، معاونین یا بزه دیدگان از لحاظ جغرافیایی بسیاری از دادگاه تجدیدنظر برای رسیدگی و تحقیق و در جرایم جنحه ای انشاء رای گسترش می‌یابد. در این دادگاه‌ها علاوه بر اینکه قضات آموزش های لازم را در خصوص رسیدگی به جرایم اقتصادی دیده اند از همکاری و مشورت دستیاران تخصصی که در امور گمرکی، بانکی، مالیات و امثال آن تخصص دارند استفاده نموده و این دستیاران تحت نظارت قضات بدون حق امضا، آنها را یاری می‌کنند. به علاوه طبق ماده ۱-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، جهت تسهیل در رسیدگی به جرایم رشا و ارتشا مقامات خارجی و بین المللی موضوع مواد ۳-۴۳۵ و ۴-۴۳۵ قانون مجازات کشور فرانسه، مرجع قضایی پاریس صلاحیت رسیدگی در سراسر کشور فرانسه را به موزات سایر مراجع تخصصی دارند.

۶. نقش بی طرفی قضات کشور فرانسه در رسیدگی به جرایم اقتصادی

در سیستم حقوقی کشور فرانسه برای اینکه بی طرفی قضات در رسیدگی حفظ شود. تدابیر ویژه ای اتخاذ شده از جمله:

اولاً) احاله پرونده به مرجع دیگر چنانچه بیم اعمال نفوذ وجود داشته باشد، بر این اساس در ماده ۴ (الحاقی ۱۰ مارس ۲۰۰۴ با اصلاحات ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵) مقرر شده است: «اگر پرونده تحت نظارت دادستان شهرستان متضمن عمل مجرمانه ای باشد که در

آن یکی از قضات، وکلای دادگستری، صاحب منصبان عمومی یا وزارتی، نظامیان ژاندارمری ملی، صاحب منصبان پلیس ملی یا اداره گمرک یا اداره زندان ا و یا به طور کلی هر شخصی که صاحب مقام عمومی یا مامور به خلعات عمومی بوده و عادتاً به مناسبت وظیفه یا ماموریت خود با قضات مربوطه یا کارمندان دادگاه ارتباط دارد، به عنوان مرتکب عمل مجرمانه یا بزه دیده قابل طرح باشد، دادستان استان می تواند راساً یا به پیشنهاد دادستان شهرستان و یا به تقاضای هر ذی نفع پرونده را به دادستان شهرستان دیگری که در نزدیک ترین دادگاه جنحه نسبت به مقر دادگاه پژوهش اشتغال دارد، احاله نماید؛ در این صورت دادگاه اخیر برای رسیدگی به امر جزایی ماکور، صلاحیت محلی دارد و مقررات عمومی صلاحیت در مواد ۵۲، ۳۸۲، ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کشور فرانسه لازم الرعایه نیست، تصمیم دادستان استان یک تصمیم اداری صرف محسوب شده قابلیت پژوهش خواهی یا تجدیدنظر خواهی داشت. مقنن فرانسوی به خوبی واقف بوده رابطه دوستانه و نفوذی که در نتیجه همکاری و اتباط شغلی بین مقامات عمومی و مامورین به خدمات عمومی، از یک سو و قضات و کارمندان دادگاه، از سوی دیگر به ویژه در شهرهای کوچک به وجود آمده ممکن است از کیفیت رسیدگی بکاهد. نکته دیگر آنکه با تاکید تعیین ضابطه عینی مسافت برای احاله، مقصداحاله را فارغ از خواست دادستان استان مشخص می کند تا بازم احتمال نفوذ و تأثیر روابط شغلی کاهش یابد (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۹۶: ۲۷۱).

ثانیا) طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری کشور فرانسه تحقیقات مقدماتی پرونده ها مجرمانه است و این اصل شامل تمام کسانی می شود که به نوعی به محتویات پرونده دسترسی دارند. لذا دسترسی افراد صاحب نفوذ به محتویات پرونده جلوگیری می شود. ثالثاً) مقنن فرانسه، در اجرای اصل ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اجازه داده است اشخاصی که از تخصص دانشگاهی و حداقل چهارسال سابقه مرتبط برخوردار بوده و یا از مقامات با تجربه دولتی با تخصص لازم باشند، با رعایت تشریفات به عنوان دستیار مخصوص قضات تحقیق و دادستان های حوزه های فرامنطقه ای رسیدگی به جرایم اقتصادی منصوب شوند. وجود این متخصصین در کنار قضات کار رسیدگی به پرونده

های پیچیده جرایم اقتصادی را تسهیل می نماید. دستاران مخصوص از هر نظر تابع اوامر قضات رسیدگی کننده هستند.

رابعا) به دلیل پیچیدگی موضوع و گستردگی بزهکار و بزه دیده در جرایم اقتصادی، امکان ارتکاب این جرایم در چندین حوزه قضایی وجود دارد. بنابراین مقنن برای دادگاه های رسیدگی کننده به این جرایم صلاحیت محلی فرمانطقه ای (یعنی صلاحیت آنها محدود به حوزه معینی نیست بلکه آنها در حوزه های قضایی مختلف قابل اعمال است) قائل شده است تا در روند رسیدگی به پرونده ها اختلالی ایجاد نشود و صلاحیت محلی دادگاه محل وقوع جرم مانع انجام کار این مراجع تخصص نگردهد. بدین ترتیب وجود دادگاه های تخصصی، بهره برداری از تخصص های لازم و ایجاد صلاحیت های موازی برای این محاکم، کارآمدی نظام عدالت کیفری فرانسه را در اجرای سیاست جنایی مقابله با جرایم اقتصادی ارتقاء داده است.

در حقوق ایران قانونگذار در خصوص جرایم اقتصادی سیاست منسجمی در چهارچوب قوانین و مدون اتخاذ نموده است و چون عنوان مستقل جرایم اقتصادی و اجرایی نیز با رویه های متفاوت و مراجع تصمیم گیری مختلف رو به رو شده است. به عبارت دیگر علاوه بر آنکه سیاست قانونگذار در جرمانگاری جرایم مذکور مشخص نیست، تشخیص صلاحیت دادگاه های عمومی و انقلاب و همین طور سازمان تعزیرات حکومتی که بر خلاف سه مورد قبلی با نظارت دولت همراه است صلاحیت رسیدگی دارند؛ مثلا اختلاس در صلاحیت دادگاه عمومی و اختلاس شبکه ای در صلاحیت دادگاه کیفری استان است. اگر بحث مفسد فی الارض طبق ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارشاد، اختلاس و کلاهبرداری قانون مجازات ایران مطرح شود به موجب ماده ۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و رای وحدت رویه شماره ۷۰۴ ۱۳۸۶/۷/۲۴ دادگاه انقلاب صلاحیت خواهد داشت. همچنین در قاچاق کالا هم دادگاه انقلاب اسلامی صلاحیت دارد و هم با رعایت شرایطی سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است. بنابراین تعدد مراجع رسیدگی کننده به جرایم اقتصادی نه تنها موجب نقص حقوق دفاعی متهم خواهد شد که طبق عمومات آیین دادرسی کیفری حق دارد به طور کامل از مرجه صالح برای رسیدگی مطلع شود، بلکه به لحاظ مبهم بودن

مفاهیمی که در قوانین آمده است مانند اخلال در نظام اقتصادی کشور، کلان و عموده بودن جرم ارتكابی، در بسیاری از موارد تعیین صلاحیت برای دادرس و نهاد رسیدگی کننده مشکل بوده و موجب بروز تعارض مثبت یا منفی در صلاحیت و صدور آراء متهافت و متناقض و در نهایت صدور آراء وحدت رویه خواهد شد (روستایی، ۱۳۹۸: ۲۷). با این وصف پیچیده بودن جرایم اقتصادی و فشار افکار عمومی موجب شد تا رییس قوه قضایی در اول مرداد ماه ۱۳۸۵ دستور تشکیل مجمع امور اقتصادی متشکل از شعبی از دادسرا دادگاه های عمومی - جزایی و تجدید نظر را صادر نماید که طبق دستورالعمل مذکور، جرایم اقتصادی کلان در رابطه با اموال عمومی یا دولتی که با نصاب ۱۰ میلیارد ریال و یا بیشتر باشد در آن مجمع رسیدگی می شوند و طبق ماده ۱۱ آن دستور العمل، تعقیب و رسیدگی به جرایم کلان اقتصادی در خارج از حوزه تهران با موافقت رییس قوه قضاییه قابل احاله به آن مجتمع باشد. اما چنانچه مسلم است تشکیل مجتمع امور اقتصادی در تهران آن هم به موجب بخشنامه، مشکل رسیدگی به جرایم اقتصادی را رفع نخواهد کرد.

۷. مقایسه مراجع قضایی ایران و فرانسه

در فرانسه مرجع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی (موضوع ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کشور فرانسه) وجود دارد، که متخصص و آموزش دیده، در انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم اقتصادی است. و این امر کیفیت و سرعت در رسیدگی را ارتقا می بخشد. اما در ایران نه تنها چنین مراجعی وجود ندارد، بلکه با تعدد مراجع دارای صلاحیت برای رسیدگی با این جرایم مواجه هستیم. و در جاهایی که در اجرای اختیارات ریس قوه قضاییه برای رسیدگی به این جرایم، محاکم ویژه ای اختصاص یافته است. تضمینی برای دوام بقا آن وجود ندارد و قضت شاغل در این محاکم از تخصص و تجربه کافی برای تصدی سمت تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرایم اقتصادی برخوردار نیستند مگر به طور موردی تجربه کسب کرده باشند.

در نظام قضایی فرانسه مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی، صلاحیت فرمانطقه ای دارد و در جرایم اقتصادی که غالباً کلان بوده ودر حوزه های قضایی متعدد ارتكاب می یابد تعقیب متهمان با (اعم از عمومی، انقلاب یا کیفری استان) صلاحیت

فرمانطقه ای ندارند و جهت تعقیب متهم و یا انجام تحقیقات خارج از حوزه قضایی خود باید نیابت قضایی صادر کند که مرجع مجرب نیابت ممکن است در موضوع نیابت از تخصص کافی برخوردار نبوده و روند رسیدگی را دچار خلل نمایند.

در نظام قضایی ایران بر عکس نظام فرانسوی، مشاوران مخصوص قضایی برای همکاری در تحقیقات فنی و تخصصی به کار گرفته نشده که این امر، در کنار عدم آموزش کافی قضات درباره الزامات رسیدگی جرایم غیرمتعارف اقتصادی، مشکل ساز خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می شود قوه قضاییه در اجرای بند (ب) ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد، لایحه قانون تشکیل دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی را با شریط ذیل به دولت پیشنهاد نماید تا جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود:

الف) تشکیل دادگاه های رسیدگی به جرایم اقتصادی اعم از دادگاه های بدوی و تجدید نظر با ریاست رییس کل دادگستری استان یا یکی از معاونین وی با صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در سراسر استان و متشکل از قضات آموزش دیده و با تجربه

ب) تشکیل دادگاه های رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان اعم از دادگاه های بدوی و تجدید نظر در مرکز کشور با ریاست کل دادگستری تهران و یا یکی معاونین وی برای رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان در سراسر کشور متشکل از قضات آموزش دیده و با تجربه

ج) فراهم کردن امکان به کارگیری کارشناسانی با تحصیلات عالی دانشگاهی و تجربیات لازم در رشته های مرتبط با جرایم مذکور از قبیل تمور بانکی، بورس و اوراق بهادار، گمرک، بیمه، مالیات و شرکت ها که تحت ریاست قاضی دادگاه انجام وظیفه نموده و در رسیدگی به پرونده ها و جمع آوری دلایل به آنها کمک کنند (روستایی، ۱۳۹۸: ۳۷).

نتیجه گیری

جرایم اقتصادی پیچیده و فنی بوده، در محیط های شغلی و وابسته تجاری و اداری ارتكاب می یابند که کشف آنها بسیار دشوار است که مرتکبین این جرایم ضمن برخورداری از هوش و ذکاوت بالا و آشنایی به قوانین و مقررات ثروت و قدرت کشور در ارتباط هستند، از طرف دیگر این جرایم بزه دیده مشخص نداشته و در بدو امر افکار

عمومی را تحریک نمی‌کنند. بدین صورت مبارزه با آنها مستلزم وجود نهادهایی مستقل، قدرتمند و متشکل از افراد متخصص و نفوذ ناپذیر است. این مهم در کشور فرانسه مورد توجه مسئولین تقنینی- اجرایی و قضایی قرار گرفته، برای کشف جرم و تحقیقات مقدماتی پلیس قضایی تشکیل شده است که نه تنها متشکل از پرسنل متخصص و کارآزموده در مبارزه با جرایم اقتصادی است، بلکه براساس بند یک ماده ۱-۲۸ قانون آیین دادرسی فرانسه می‌تواند موقتا از مأمورین عالی رتبه کمرگ که با تشریفات مخصوص برای این کار انتخاب می‌شوند در انجام تحقیقات مقدماتی استفاده نمایند. این نیرو به همراه ادارات مرکزی پلیس قضایی دارای صلاحیت اقدام در سراسر کشور فرانسه هستند تا به دور از بروکراسی اداری با سرعت به وظیفه خود عمل نمایند و در مرحله رسیدگی به این جرایم نیز به موجب ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری محاکم ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تشکیل شده است، قضات این محاکم دوره‌های آموزش تخصصی را دیده و متخصص و مجرب در کار خود هستند. جرم‌انگاری جرایم اقتصادی یکی از ابزارها و مکانیزم‌های سیاست جنایی هر کشور، در مقابله با بزهکاری و انحرافات اقتصادی است؛ که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد نه تنها نتیجه مطلوب به دست نخواهد داد بلکه خود موجب پیدا شدن معضلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری خواهد شد. سیاست جنایی تقنینی هسته اصلی سیاست جنایی کشور است و در قبال جرائم اقتصادی ماموریت جرم‌انگاری؛ ارعاب، تنبیه و ناتوان‌سازی مجرمین در مقابله با پدیده‌های مجرمانه اقتصادی بر عهده دارد. جرایم اقتصادی موجب ایراد خسارت‌های جبران ناپذیری به روابط مالی مردم با همدیگر و مردم با دولت می‌شوند و به بنای حکومت نیز لطمه وارد می‌کند. به این ترتیب جرم‌انگاری جرائم اقتصادی مستلزم سیاست جنایی تقنینی منسجم، هوشمندانه و عاری از عیب و نقص بیشتر از پیش احساس می‌شود. در بی‌جرایم مذکور در این مواد برخی مانند تدلیس در معاملات دولتی (ماده‌ی ۵۹۹ کلیات تعزیرات) با منظور کردن نفعی برای خود در معاملات دولتی (ماده‌ی ۶۰۳ کتاب تعزیرات) ارتباط مستقیمی با نظام اقتصادی دارد، اما برخی از عناوین مذکور در این فصل مانند معدوم یا مخفی کردن اسناد سپرده‌شده به مأمور دولت توسط وی یا تسلیم آنها به غیر (ماده‌ی

۶۰۴ کتاب تعزیرات) و اقدام یا اظهار نظر بر خلاف حق مقررات در مورد یکی از طرفین توسط مأمور دولت (ماده‌ی ۶۰۵ کتاب تعزیرات)، تناسب چندانی با عنوان «جرم اقتصادی» ندارد. در کشور فرانسه در مجتمع های جرایم مالی و اقتصادی و حوزه دادگاه های فرامنطقه ای مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی متشکل از دادستان و قضات تحقیق وجود دارد، که این قضات آموزش های لازم را دیده اند ولی در ایران چنین مرجعی وجود ندارد. ماده ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اجازه داده است افرادی که از تخصص دانشگاهی و حداقل چهارسال سابقه حرفه ای مرتبط برخوردارند به عنوان دستیار قضات تحقیق منصوب شوند این دستیاران که تابع نظر قضات هستند کار رسیدگی به پرونده های مهم تخصصی را تسهیل می کند. حال آنکه در کشور ایران قانونگذار چنین اجازه ای را به دادرسان داده است. در فرانسه مرجع تحقیق در جرایم اقتصادی صلاحیت سرزمینی فراتر از دادگاه شهرستان دارند از این رو به جرایم اقتصادی که در چند حوزه اقتصادی شهرستان واقع شده است دچار مشکل نمی شوند ولی در ایران صلاحیت هر دادرسان محدود به حوزه شهرستان بر اساس تقسیمات کشوری می باشد بنابراین چنانچه نیاز به تحقیقاتی خارج از حوزه قضایی باشد بایستی به دادرسای ذی صلاح نیابت قضایی تفویض شود و ممکن است تحقیقات مورد نظر توسط قضاتی انجام شود که در امور اقتصادی تخصص لازم نداشته و در رسیدگی به پرونده خلل ایجاد نماید. بنابراین پیشنهاد می شود قوه قضایی در اجرای بند (ب) ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد نسبت به تهیه لایحه تشکیل دادرسای جرایم اقتصادی اقدام تا با تصویب مجلس شورای اسلامی دادرسای تخصصی تشکیل شود.

منابع

- احمدی، عبدالله. (۱۳۹۳). کتاب قاچاق، نشر میزان، چاپ اول، تهران
 اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، جلد اول و دوم، چاپ سی ام و بیست و هشتم، نشر میزان، تهران

- اردشیری، منصور (۱۳۸۹). خصوصی سازی در آموزش عالی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۵۵
 آشوری، محمد، (۱۳۹۳)، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
 آقازاده، علیرضا، (۱۳۹۵)، قاچاق کالا، نشر آثار اندیشه، چاپ اول
 آقایی نیا، حسین، (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص (شخصت معنوی)، چاپ ششم، تهران، نشر میزان
 بولک برنار، (۱۳۸۷)، کیفرشناسی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجد، چاپ هشتم
 پناهی، علی و بندری، لیلا، (۱۳۹۲). ابعاد اقتصادی مناقصات دولتی و ویژگی‌های فرایند حاکم بر آنها
 (تجربه جهانی)، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۶۱.
 جزایری، مینا. (۱۳۹۱). پولشویی و مؤسسات مالی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۶۰.
 جعفری لنگرودی، (۱۳۸۷)، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش
 حبیب زاده، محمد جعفر، (۱۳۹۲)، آسیب شناسی نظام عدالت کیفری، مجله علوم اجتماعی و انسانی
 دانشگاه شیراز، دوره ۲۱ شماره دوم، صص ۱۲۹-۱۴۸
 دهقانان، حامد (۱۳۹۴). مدیریت بر مبنای شایستگی (ضرورت‌ها و راهکارها)، نشریه مجلس و پژوهش،
 شماره
 رهبر، فرهاد و دوستان (۱۳۹۶). بازشناسی عارضه فساد مالی. جلد دوم، چاپ اول
 روستایی، مهرانگیز، (۱۳۹۸)، ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی، فصلنامه کارگاه، شماره ۷
 صادق نژاد نایینی، مجید، (۱۳۹۲)، پاسخ های کیفری عوام گرایانه به مفاسد اقتصادی، دایره المعارف علوم
 جنایی، کتاب دوم، تهران، میزان
 محسنی، عباس و اصلانی، رشید (۱۳۹۷). بودجه ریزی در ایران، مسئولیت محاسباتی و نظارت های مالی و
 عملیاتی، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
 محمودی، مهدی. (۱۳۹۴). نقش فرهنگ سازی قاضی در کنترل فساد، مجله تدبیر، شماره ۸۳.
 موسوی مجاب، سیددرید، (۱۳۹۳)، بز هکاران یقه سفید، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۳
 نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی، تعالی حقوق، شماره ۶
 نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۹۲)، مباحثی در علوم جنایی، ویراست ششم به کوشش شهرام
 ابراهیمی، دانشگاه شهید بهشتی
 ولیدی، دکتر محمد صالح (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی، جلد ۲، نشر خیام، چاپ ششم پژوهشکده
 مطالعات راهبردی
 یوسفیان شوره دلی، عباس، (۱۳۹۶)، حمایت کیفری از حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی (مطالعه تطبیقی
 حقوق ایران و فرانسه، تهران، میزان